

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبداللطیف صدیقی لندری

از اشعار دوران در بدری در پاکستان

(بخش اول)

شور و افغان

با اطمینانی که از نوشته پرلطف مؤرخ ۲۲ اپریل ۲۰۱۱ (صفحه ۲۳ اپریل ۲۰۱۱) نویسنده و شاعر توانا و مبارز انجنیر صاحب معروفی حاصل گردید، اینک بسته اشعار دوران در بدری و بی سرنوشتی اقامت پاکستان خود را تقدیم نمودم، تا بعد از تصحیح و پیرایش لازم، به تدریج افتخار نشر را در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" پیدا کند. بدینوسیله از جناب شان و تمامی متصدیان معزز پورتال عزیز و باوقار ما صمیمانه سپاسگزارم.

شور و افغان

رفتی اندر خلوت دل خانه ویرانم نگر
تا ترا از من جدا کردست گردونم به ظلم
آتش آن عشق تا در جان و دل افروختی
تا تو از پیشم برفتی خانه ویران گشته ام
تا تو رو پوشیده ای از عاشق دل خسته ات
گر کسی نامت، گل زیبا! چو آرد بر زبان

در غم و اندوه وصلت، شام هجرانم نگر
جان بدادم در جدائی جان بیجانم نگر
بی خود و سرمست کردی مست مستانم نگر
بی سر و سامان شدستم کلبه ویرانم نگر
بی رخت نالان و حیران و پریشانم نگر
همچو بلبل زار نالم شور و افغانم نگر

اشک من امشب لطیف از دیده طوفان میکند

تا سحر بگـریستم صد دیده گریانم نگر